فصلنامهٔ علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی – دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج
شماره‌های پیاپی ۲۶ و ۲۷/ سال هشتم/ بهار و تابستان ۱۳۹۵

بررسی ریخت‌شناسانه داستان شغاد از شاهنامه بر اساس نظریهٔ پراپ

دکتر یداله شکری
عضو هیأت علمی دانشگاه سمنان

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۲/۰۹

چکیده

مقاله پیش رو در پی آن است که داستان شغاد شاهنامه را بر پایه نظریه ریخت شناسی ولادیمیر پراپ تحلیل و میزان تطابق آن دو با یکدیگر را بررسی کند. به همین منظور در بخش نخست، مبانی نظری مکتب ساختارگرایی و ریخت شناسی بررسی می‌شود. در ساختارگرایی اصالت به متن، بی‌توجهی به ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، توجه به روابط متقابل واحدهای متن مورد توجه است. در ریخت‌شناسی مواردی مانند :چهار قانون کلی در شخصیت‌ها، عناصر پایدار و متغییر داستان، کنش-های هفت‌گانه شخصیت‌ها، کارکردها و انواع حرکت در داستان بررسی می‌شود.

نگارنده در بخش دوم به بررسی داستان شغاد بر پایه یافته‌های پراپ پرداخته و با رسم جداول و شکل هایی مباحث را نشان داده است داستان با کارکردها پراپ تطبیق داده شده و موارد جابه‌جایی کارکردها و عدم مطابقت‌ها مشخص شده است. این جستاردر پایان به این نتیجه می‌رسد که داستان بر پایه الگو پراپ دارای دو حرکت است و مواردی هست که داستان مطابق الگو نیست و کارکرد جدیدی به نام پذیرش تقدیر در داستان‌های ایرانی وجود دارد که در الگوی پراپ مطرح نشده است. اندیشه ثنویت در کارکردهای داستان شغاد وجود دارد توجه به عدد سه به شکل رویدادهای سه‌گانه در به انجام رسیدن اهداف شخصیت‌ها دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ریخت‌شناسی، پراپ، ساختارگرایی، رستم و شغاد.

مقدمه

اولین بار ارسطو در بوطیقای خویش از ساختار طرح داستان سخن گفت و بیان کرد که:«طرح حالت هنری حوادثی است که یک داستان را پدید می آورد» (مخبر ،۱۳۷۲:۲۵) تا این که « در سال های دهه ی ۱۹۲۰ م کسانی مانند ولادیمیر پراپ ،آندره یولس ،نورتروپ فرای و کلود گلین براساس مفاهیم فرمالیستی مثل نظم کلمات و نظام ادبیات ، تئوری خود را به صورت اصالت فرم و فرمالیسم نشان دادند و حلقه پراگ در ۱۹۲۶م که یکی از جریان های اصلی مبلغ فرمالیسم بود تشکیل شد» (زرشناس،۱۳۸۷،صص ۶۰ –۵۹). فهم فرمالیست ها به عنوان یک مکتب نظری از طرح با ارسطو متفاوت بود ، « آن ها طرح را برخلاف ارسطو که معتقد بود با دقت تدوین شده است و دارای حقایق اساسی زندگی است ، با آشنایی زدایی پیوند دادند» (مخبر ،۱۳۷۲: ۲۶). برای فرمالیست‌ها متن فارغ از ریشه های فرهنگی و تاریخی و اجتماعی مهم بود و « پاسخ به این سوال که ادبیت متن چیست. لذا تمام عناصر درون متن را استخراج و ارتباط آن ها را با هم بررسی کردند همزمان با شکل گیری فرمالیسم و ظهور پیشرفت هایی در زبان شناسی، فردینان دو سوسور یکی از مشهورترین زبان شناسان انگاره ای ارائه داد که باعث تحولی عظیم در مطالعات فرمالیستی و شکل گیری ساختارگرایی شد. ساختارگرایی به عنوان یک نظام درپی به دست آوردن الگویی مرجع برای مطالعه ادبی بودکه درآن پس ازکشف کوچکترین واحد ساختاری، روابط متقابل این واحدها و چگونگی ترتیب

آن ها بررسی می شود و همین امر سبب تأثیر آن بر مطالعات فولکلـوریک گشت که اوج آن را در کتاب ریخت شناسی پراپ شاهد هستیم » (خدیش،۱۳۹۱،صص ۴۷-۴۰). می‌توان گفت بخش اعظم دستاورد های ساختار گرایی در دو روش پراپ و لوی استراوس نمود یافت با این تفاوت که استراوس به بررسـی ساخـتار های اساطیـری پرداخت در حـالی که پراپ تحلیـلی ساختـاری از آن را براساس صـورت ارائـه داد و آن را ریخت شناسی نامید. او مجموعه صد حکایت از حکایات پریان روسی را بر پایه کنش شخصیت‌ها طبقه بندی و در قالب نماد هایی بیان کرد و به ۳۱ کارکرد دست یافت که در مجموع در بردارنده کلیه امکانات ساختاری اثر هستند. تجزیه و تحلیل ساختاری یک اثر و ریخت شناسی آن از بهترین شیوه های نقد ادبی و از علمی ترین روش‌ها برای بررسی آثار داسـتانی است و شاهنامـه نیز با توجه به نوع ادبـی خود و ساختـار پرمایـه ای که دارد بسیـاری از این گونه تحلیل‌ها را برمی تابد، ما در این پژوهش سعی برآن داریم تا داستان رستم و شغاد از شاهنامه راکه از زیباترین بخش‌های آن است بر پایه طبقه بندی پراپ بررسی کرده و میزان تطابق این داستان را با الگوی پراپ نشان دهیم درداستان مورد نظر جدای از مواردی مانند حرکتی جدید که در الگو پراپ یافت نشد (توجه نکردن به یاریگر) و می‌تواند یک نوع تقدیر باوری در اعتقادات کهن و فرهنگ ایرانی باشد ، نهایت داستان رستم و شغاد با الگوی پراپ هماهنگ است

پیشینه تحقیق

تاکنون کتب و مقالات متعـددی درباره ریخت شناسی و به طور اخص ریخت شناسی داستان هایی از شاهنامه نوشـته شده است، از آن جمله می‌توان به ریخت شناسی افسانه های جادویی (پگاه خدیش،۱۳۹۱) ، ریخت شناسی قصه‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه فردوسی (بهرام پور جـلالی ،۱۳۹۱) ریخت شناسی قصه قلعه ذات الصوردر مثنوی طبق نظریه ولادیمیر پراپ (مسعود روحانی و سبیکه اسفندیار پاییز و زمستان ۱۳۸۹) ، بررسی ریخت شناسانه داستان بیژن و منیژه شاهنامه فردوسی بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ مسعود روحانی ومحمد

عنایتی قادیکلایی و ریخت شناسی هفت خوان رستم از شاهنامه فردوسی (حمیدرضا فرضی وفرناز فخیمی فاریابی، ۱۳۹۲) اشاره کرد که با طبقه بندی های پراپ تطابق داشته است. این جستار با بررسی ساختار قصه براساس الگوی پراپ و نمایش آن درقالب جداول و شکل ها تحلیلی کامل را از داستان رستم و شغاد ارائه می دهد.

ساختار گرایی

نخستین بار رومن یاکوبسن در ۱۹۲۹م اصطلاح ساختارگرایی را وضع کرد، اما درحقیقت« نظرات او معنایی عام از فرمالیسم بود» (خدیش،۱۳۹۱:۴۶). می‌توان گفت: « ساختارگرایی یعنی بررسی روابط متقابل میان اجزای سازای یک شئ یا موضوع فولکلوریک» (ریخت شناسی قصه‌های پریان:۱۳۹۱:۷) و در وسیع ترین مفهوم آن روش جست وجوی واقعیت در روابط اشیای منفرد است. همچنین« پاسخی است به داشتن نظامی منسجم که علوم مدرن را وحدت بخشد و روشی است که می‌خواهد کلیه علوم را در نظام اعتقادی جدید گرد آورد . ساختارگرایی کانون فعالیتش را از مطالعات زبان شناختی گرفته است و با حرکت از مطالعه زبان به ادبیات و تعریف اصول ساختاردهی، در پی به دست آوردن الگویی مرجع است تا عملی‌ترین مبنا را برای مطالعه ادبی فراهم کند » (طاهری ،۱۳۷۹، صص ۲۹-۲۱). بررسی ساختاری داستان با ولادیمیر پراپ بر روی حکایت پریان روسی آغاز شده است، هرچند میراث آن از ارسطو تا به امروز برجای است. « پراپ نماینده فرمالیست در دل ساختارگرایی ادبی بود که سایر فرمالیست ها و ساختار گرایان از او تأثیر پذیرفتند و بخش اعظم دستاورد های ساختار گرایی در دو روش پراپ و لوی استراوس نمود یافت، با این تفاوت که لوی استراوس تجزیه تحلیل عمودی (بررسی ساختارهای اساطیری) و پراپ تحلیلی زنجیری(ساختاری) را ارائه داد و از آن با عنوان ریخت شناسی یاد کرد که نیروی محرکه مهم تفکر ساختاری شد و نقطه ی آغاز کار چندین نظریه پرداز دیگر به ویژه گروه گرماس، برمون و تودوروف...قرار گرفت » (طاهری ،۱۳۷۹، صص ۹۵-۹۱).

ولادیمیر پراپ و ریخت شناسی

«ولادیمیر یاکف لویچ پراپ در ۱۸۹۵م در سن پترزبورگ به دنیا آمد. اومدرس فولکلور در دانشگاه لیننگراد بود وحاصل سال‌ها تحقیق خود را در کتابش با عنوان "ریخت شناسی قصه‌های پریان" در ۱۹۲۸م منتشر کرد. او اصطلاح ریخت شناسی را با توجه به مورفولوژی (morphology) که در علم گیاه شناسی به معنی بررسی و شناخت اشکال یعنی ساختمان گیاه بود به کار برد و ریخت شناسی را بررسی و شناخت ساختار داستان بیان کرد» (ریخت شناسی قصه‌های پریان :۱۳۹۱). پراپ کارش را با مسأله طبقه بندی و سازمان دهی حکایت-های عامیانه روسی آغاز کرد و بر مبنای کار بدیه و وسلوفسکی بیان داشت که اغلب تلاش ها برای طبقه بندی حکایت‌ها براساس بن مایه یا عناصر در آخر به گروه بندی هایی بی نظام می انجامد وخود به بررسی عناصر پایدار و متغیر در حکایت‌های پریان پرداخت در نظر او حکایت یک واحد تحلیل ساختاری است و او با بررسی مجموعه ای از صد حکایت پریان روسی (شماره ۳۰۰ تا ۷۴۹ فهرست آرن-تامپسن) به ۳۱ کارکرد دست یافت که کلیه امکانات ساختاری را که در کل مجموعه هست در بردارد و با بررسی عناصر پایدار و متغیر در این حکایت‌ها به این نتیجه رسید که با وجود این که شخصیت های یک حکایت متغیرند ولی کارکرد های آن ها پایدار و محدود است و کارکرد را «عمل یک شخصیت که بر حسب میزان اهمیت آن در پیشبرد کنش ها تعریف می شود» (طاهری ،۹۶:۱۳۷۹) دانست.

«پراپ ۴ قانون تدوین میکند:

۱- کارکردهای شخصیت ها در یک حکایت عناصری پایدار و ثابت اند و اجزای بنیادین یک حکایت را تشکیل می دهند

۲- تعداد کارکرد های متعلق به حکایت پریان محدود است

۳- توالی کارکرد ها همیشه یکسان است ؛

۴- همه حکایت‌های پریان از لحاظ ساختار آن به یک نوع تعلق دارند.

اودریافت که تعداد کارکرد ها هیچ گاه از ۳۱ عدد تجاوز نمی کنند و نیز همه آن ها در یک حکایت وجود ندارد وترتیب و توالی آن‌ها همیشه به یک صورت است. پراپ علاوه براین هفت شخصیت را هم شناسایی کرد که عبارتند از : خبیث ،بخشنده ،یاری گر ،شاهزاده خانم

(شخص مورد جست وجو) و پدرش ،گسیل دارنده ،قهرمان و قهرمان دروغین که ممکن است در یک حکایت یک شخص چند نقش داشته باشد و یا یک نقش از آن چند شخصیت باشد ؛ ولی در هر صورت این ها نقش های پایه ای داستان اند » (طاهری ،۱۳۷۹، صص ۱۰۳-۹۶). کارکردهای پراپ که در قصه‌های پریان با حروف مشخصی نامگذاری شده اند عبارت است از:

۱) وضعیت آغازین	α
۲) غیبت	β
۳) نهی	Υ
۴) نقض نهی	δ
۵) خبر گیری شریر	ε
۶) دریافت خبر	ϑ
۷) فریبکاری	λ
۸) شرارت	A
۹) میانجیگری، رویداد پیوند دهنده	B
۱۰) مقابله آغازین	C
۱۱) عزیمت، گسیل کردن	↑
۱۲) نخستین خویشکاری بخشنده	D
۱۳) واکنش قهرمان (مثبت یا منفی)	E
۱۴) دریافت عامل جادو	F
۱۵) انتقال مکانی،راهنمایی	G
۱۶) کشمکش با شریر	H
۱۷) پیروزی	I
۱۸) داغ گذاشتن	J
۱۹) کارسازی مصیبت یا رفع مشکل	K
۲۰) بازگشت قهرمان	↓

۲۱) تعقیب	Pr
۲۲) نجات و رهایی	Rs
۲۳) ورود به طور ناشناس	O
۲۴) ادعای دروغین	L
۲۵) کار دشوار	M
۲۶) انجام کار دشوار	N
۲۷) شناخته شدن	Q
۲۸) رسوایی شریر	Ex
۲۹) تغییر شکل	T
۳۰) مجازات شریر یا قهرمان دروغین	U
۳۱) عروسی	w*

پراپ همچنین دریافت که هر داستان ممکن است شامل دو یا چند بخش باشد که در هر بخش موضوع و قصه‌ای جدا گانه اتفاق می افتد؛ ولی هر دو به هم مربوط هستند و یکی دنباله دیگری است و در قالـب یک داستـان است ،او هرکدام از این بخش‌ها را یک حرکت نامید و بیان داشت که هر داستان ممکن است از دو یا چند حرکت تشکیل شود. پراپ انواع حرکت ها را اینگونه تقسیم بندی کرد:

۱)یک حرکت مستقیما حرکت دیگر را دنبال کند.

۱. w* ——————— A

۲. w۲ ——————— A

۲) پیش ازپایان حرکت اول حرکت دیگری شروع و تمام می شود، حرکت اول هم به پایان میرسد .

.....

۱. w* ——————— K G ——————— A

۲. k _____ a

۳) ممکن است یک داستان قطع شود و نمودگار نسبتا پیچیده ای ارائه دهد.

....

۱. _____ _____

.....

۲. _____ _____

۳. _____

۴) قصه با دو شرارت هم زمان شروع می شود و معمولا نخستین شرارت پیش از دیگری فیصله می یابد.

۱. A۲ _____ k۹

۲. .....

k۱ _____

۵) دو حرکت پایان مشترکی دارند.

.....

۱. _____ _____

۲. _____

۶) در قصه‌هایی با دو قهرمان قهرمانان در وسط حرکت اول از هم جدا می شوند.

۱. _____ Y > _____ ۳.....

۲. .....

(بدره‌ای،۱۳۹۲، صص ۱۸۶-۱۸۵).

حرکت ها در هر قصه در محدوده‌ی یکی از این پنج مورد قرار می‌گیرد و از این موارد خـارج نیست و تمامی سی ویک کارکرد پراپ و همچنین شخصیت ها در این دو حرکت قابل بررسی است در این مقاله داستان شغاد از این منظر بررسی می شود ؛ ولی قبل از همه ضـروری است خلاصه ای از داستان جهت آشنـایی با آن ارائه و سپس به بررسی های لازم بپردازیم.

خلاصه داستان رستم و شغاد

برای زال فرزندی به نام شغاد به دنیا می‌آید که از لحاظ صورت به سام نریمان شباهت دارد ولی ستاره شناسان پیش بینی می‌کنند که در جوانسالی سیستان را تباه و خاندان زال را نابود می کند. زال چاره‌ای جز تسلیم در برابر سرنوشت نمی یابد و از خداوند برای او طلب خوبی می کند و بعداز مدتی او را به نزد شاه کابل می فرستد. او داماد مهراب کابلی می شود. رسم چنین است که بزرگان سیستان و کابلستان هر سال یک چرم گاو به عنوان خراج به رستم می پردازند. شاه کابل وقتی موعد خراج می‌رسد به گمان اینکه شغـاد داماد اوست و رستم از او باج نخواهد گرفت آن را آماده نمی کند، اما باج گیران طبق رسم هرسال برای گرفتن آن می آیند ودر کابل هیاهویی برای آماده سازی آن به پا می شود. شغاد از این کار برادر ناراحت شده و کینه او را به دل می‌گیرد و نزد شاه کابل مطرح می کند. سپس با او نقشه قتل رستم را می کشد و در یک مهمانی با حضور بزرگان کابل، مهراب به صورت ظاهری شغاد و خاندانش را تحقیر می کند، شغاد ناراحت رو به سیستان می نهد و مهراب در نخجیرگاهی خوش آب و هوا چاه‌هایی کنده، نیزه هایی در ته چاه قرار می دهد و روی آن ها را می پوشاند. از طرف دیگر شغاد نزد برادر رفتار مهراب را بیان و شکایت می کند رستم که عصبانی شده برای مقابـله به گزین کـردن سپاه می پردازد و به پیشنهاد شغاد مبنی بر اینکه مهراب پشیمان شده سپـاه بزرگی تدارک نمی بیند و با ۲۰۰نفر حرکـت می کـند مهـراب در میانه راه برای معذرت خواهی می آید و رستـم او را می بخشد در کابل جشنی برپا می کنند و بعد از شراب مهراب او را به بهانه شکار به سمت نخجیرگاه می برد ، در نخجیـرگاه رخش که بوی نم خاک را فهمیـده از رفتن امتناع می کند ؛ ولی رستم او را وادار به رفتن می کند و در چاه می افتد در آن لحظه شغاد را بالا چاه می بیند و همه چیز را درمی یابد ، پس با زیرکی به بهانه دفاع از خود در برابر حیوانات وحشی کمـانش را از او می گیرد و او را که در پشـت درختی کهنسال پنهان شده ، می کشد و خود نیز می میرد سواری از آن مهلکه می گریزد و ماجرا را به زال خبر می دهـد در زابل نوحه سر می دهند و زال فرامرز را برای انتقام گسیل می کند فرامرز در جنگی که در می گیرد مهراب و ۴۰ تن از

خویشـان او را اسیر کرده و می کشد، پیکر شغاد را به آتش کشیده و راهی سیستـان می شود ودر آن جا تا یک سال برای رستم عزاداری می کنند .

ریخت شناسی داستان رستم و شغاد:

با توجه به این که داستان شغاد با الگو ریخت شناسی پراپ شباهت ها و تفاوت هایی دارد نخست به ریخت شناسی داستان پرداخته و بعد شباهت‌ها و تفاوت‌ها را بیان می‌کنیم. اگر۳۱ کارکرد موردنظر پراپ را که در حقیقت فرمول کلی همه داستان هاست در این داستان بررسی کنیم، به نتایجی دست پیدا می کنیم که ما آن را در جدولی به این شکل بیان کردیم:

α	صحنه آغازین	فرزند زال شغاد به دنیا می‌آید و از لحاظ چهره به سام شبیه است.
ϒ	نهی	موبدان پیش بینی میکنند که در آینده خاندان زال را نابود می کند.
δ	نقض نهی	زال تسلیم تقدیر می شود و با خداوند به مناجات می پردازد.
β۳	غیبت (سفر یا کوچ)	زال شغاد را به نزد شاه کابل می فرستد.
w*	ازدواج	شغاد با دختر شاه کابل ازدواج می کند.
mot	انگیزش	رستم از مهراب علی رغم میلش باج گرفته و شغاد کینه او رابه دل می گیرد.
λ	مصیبت حاصل قرارداد خدعه آمیز	شغاد ومهراب با برپایی مهمانی نقشه قتل رستم را می کشند.
η۱	فریفتن با اغواگری	شغاد با حالت گلایه به نزد رستم می آید و از تحقیر مهراب سخن می گوید.
Θ	همدستی	رستم عصبانی میشود و می گوید من او را از تخت به زیر می کشم.
B۳	میانجیگری(رویداد پیوند دهنده)	رستم تصمیم به ادب کردن شاه کابل می گیرد و می‌خواهد به طرف کابل برود.
C	مقابله آغازین	رستم به دنبال این تصمیم به جمع آوری سپاه می پردازد.
η۱	فریفتن با اغواگری	شغاد به او می گوید مهراب پشیمان شده و نیازی به سپاه بزرگ و جنگ نیست.
Θ	همدستی	رستم قبول می کند و فقط ۲۰۰سوار و پیاده با خود می برد.
↑	عزیمت	رستم به همراهی زواره و شغاد به سمت کابل حرکت می کند.

§	پیوند دهنده (ربط‌دهنده)	شغاد به مهراب خبر می دهد که برای پوزش خواستن بیاید.
η۱	فریبکاری با اغواگری	مهراب گریان از رستم پوزش می‌خواهد.
Θ	همدستی	رستم او را می بخشد و پیشنهادش را برای رفتن به جشن و نخجیرگاه می پذیرد.
z	توجه نکردن به کمک یاری گر(تقدیر)	رستم به هشدار رخش که بوی نم خاک را فهمیده توجه نکرده و در چاه می افتد.
A۲۴	شرارت (قتل کسی)	رستم در درون چاه می افتد و شغاد به هدف خود می‌رسد.
H۱	کشمکش	رستم که متوجه قضیه می شود با زیرکی کمان خود را از او می گیرد.
I۵	پیروزی	رستم تیری به شغاد که پشت درختی پنهان شده می زند و او را می کشد.
§	پیوند دهنده (ربط دهنده)	سواری می گریزد و خبر مرگ رستم رابه زابل می رساند.
B۷، B۲	میانجیگری(رویداد پیوند دهنده)	زال نوحه سرمی دهد و فرامرز را با سپاهی برای گرفتن انتقام می فرستد.
C	مقابله آغازین	فرامرز سپاهی آماده می کند تا حرکت کند.
↑	عزیمت	او به سمت کابل برای جنگ با مهراب حرکت می کند.
H۱	کشمکش	در نبردی با شاه کابل میجنگد.
I۱	پیروزی	مهراب را شکست می دهد واو را با ۴۰ تن از خویشانش اسیر می کند.
U	مجازات شریر	مهراب را در چاهی می کشد و خویشان او و شغاد را به آتش می کشد.
↓	بازگشت	بعد از گرفتن انتقام به زابل بر می گردد.

درباره مصیبت مقدماتی باید گفت که طبق نظریه پراپ در قراردادها و پیمان های خدعه آمیز که نوع خاصی از فریبکاری را شامل می شوند شریر خود موقعیت دشوار را به وجود می آورد تا از این راه شرایط را برای انجام شرارت تسهیل کند در این داستان نیز شغاد مصیبت مقدماتی راکه باعث عزیمت قهرمان است به وجود می آورد و قهرمان را به جایی می کشاند تا در نهایت شرارت را انجام دهد؛ اما باید به این مورد توجه داشت که ، با وجود این که نیات و افکار اشخاص قصه نقشی در خویشکاری ها ندارد و تنها، رفتار شخصیت ها کارکردها را به وجود

می آورد؛ ولی انگیزش که خود سبب انجام شرارت می شود نتیجه افکار و نیات شغاد است ؛ اما همانطور که بیان شد جایگاهی در خویشکاری های داستان ایفا نمی کند. در حقیقت سلسله داستان با علت و معلول هایی در پی هم می آید و روند آن را شکل می دهد در این میان تنها عمل شریر نیاز به انگیزشی جداگانه دارد و همانگونه که پراپ انگیزش را دلایل و اهدافی می داند که باعث اعمال فرد می شود در این داستان خراج گرفتن انگیزه اصلی برای اعمال شغاد قرار می گیرد آگاهانیدن نیز که در دو نقطه از داستان اتفاق می افتـد دو حرکت کاملا متفاوت را به هم پیوند می دهدو از نوع آگاهانیدن مستقیم است و عمل انتقـال مکانی در داستان وجود نـدارد زیرا طبق تحلیل پراپ اگر قهرمان به آسانی به مکان جدید وارد شود حرکت محسوب نمی گردد. رستم در این داستان از نوع قهرمانان جست وجوگر است زیرا برای دفع مصیبت خود پیش قدم می شود و کسی او را گسیل نمی‌کند که در روند داستان قربانی می شود به عبارتی حفظ نام ، آبرو ، نژاد و گوهرکه از مهم‌ترین ارکان زندگی به خصوص برای جهان پهلوان ایران است، به قدری در فرهنگ ایران اهمیت دارد که کوچکترین احساس مبنی بر آسیب وارد شدن بدان خود می‌تواند بالاتـرین انگیـزه را برای دفاع از آن به هر قیمتـی حتی جنگ فراهم آورد به گونـه ای که مرگ در مقابل آن بی ارزش می‌شود؛ از طرفی داستان شغاد« یک تراژدی خانوادگی است و می نماید که هر فرازی نشیبی دارد و نیرویی برتر از نیروی روزگار نیست .با این حال، رستم را تنها با نیرنگ و دام می‌توان از میان برداشت .زندگی سرانجام به پایان رسیدنی است ،آنچه بر جای می ماند (نام) است که رستم تا آخرین لحظه بر سر آن می ایستد. ....آدمی در عین زیستن بر روی خاک و سرنهادن به شرایط زندگی خاکی ،حسرت دستیافت به یک (نیروی برتر) را از دست نداده است .در تمدن ایران رستم نماد آن است » (اسلامی ندوشن،۱۳۸۱:۳۲۴) به همین دلیل است که برخلاف طبقه بندی پراپ او به یاری گر خود رخش توجه نمی کند و سرنوشت اورا به سمت مرگی شکوهمند و شرافتمندانه پیش می برد و سخن حکیم توس موید این نظر است:

به چیزی که آید کسی را زمان بپیچد دلش کور گردد گمان

همچنین درباره حرکت z باید اظهار داشت که این حرکت در داستان جدید است و درکارکردهای پراپ وجود ندارد. رخش در اینجا طبق تحلیل های پراپ یاریگر محسوب می شود نه بخشنده و رستم بر خلاف الگوی طبقه بندی شده پراپ کـه همیشه قهرمان از کمک یاریگر سود می جوید به هشدار رخش توجه نکرده و قربانی می شود و دلیل آن را هم می‌توان مربوط به فرهنگ ایرانیان و تقدیرگرایی نهفته در ذهن آن ها دانست و اعتقاد به این مسئله که اگر سرنوشت کـاری را در پیش گیرد تمام تلاش های انسان برای مقابله با آن بی نتیجه است. « درحقیقت می‌توان اعتقاد به تقدیر و سرنوشـت را ناشی از اندیشه های زروانی و زروان پرستی در ادواری از تاریخ ایران دانست ،در دوره هایی از تاریخ ایران مردم به زروان به عنوان خدای مرگ، زندگی، بخت و تقدیراعتقاد داشتند. بعد از اسلام هر چند زروان پرستی از بین رفت ؛ ولی بعضی آثار آن مانند سرنوشـت و تقدیر در افکـار مردم باقی ماند. به همین دلیل است که ایرانیان در طول تـاریخ در فـراز و نشیب تغییـر حکومت ها بیشتر نظاره گر بودند ، زیرا آن واقعه را به صورت بخت و تقدیر خود می پذیرفتند. واعتقاد به فال و پیشـگویی همه نشـان این اندیشه است که مردم می خواستند از سـرنوشت مقدر خود آگاهی یابند. این اعتقاد در شاهنامه به صـورت نکوهش حرص و آز بیان می شود که نوعی مخالفت با قضا و قدر است و تلاش برای رسیدن به بهره بیشتر» (جـای پـای زروان :۱۳۷۹) .چراکه «زروانی ها زیاده طلب نیستند زیرا کسی بیشتر از آنچه سهم اوست، نمی‌تواند بخواهد و نمی‌توانـد به دست بیاورد. این قناعت ضامن آن است که عمر در طلب و طمع تلف نشود» (دولت ابادی،۴۵:۱۳۷۹) و «در جهـان بینی زروانی تقدیر حاکم مطلق است .زندگی به مشیت خوتای زمان شروع می شود و بر جریان لحظه به لحظه آن،زروان تسلـط کامل دارد و وقتی زمان رفتن فرا می‌رسد، باز برنده ترین حربه تقدیر یعنی مرگ در دست اوست چون خود او خوتای مرگ است» (دولت آبادی ،۴۱:۱۳۷۹). همانطور که می دانیم هر شخصیت می‌تواند چندین کارکرد مختلف را بر عهده بگیرد و گاهی نیز ممکن است کارکردی در حوزه ی عمل چند شخصیت وجود داشته باشد لذا جدول زیر براساس کارکردهای هر یک از شخصیت ها ی داستان تنظیم شده است:

شخصیت	کارکرد مربوط به هر شخصیت
رستم	Θ B۳ C Θ ↑ Θ Z H۱ I۵
شغاد	β۳ w* mot λ η۱ η۱ § A۲۴ H۱
زال	δ β۳ B۲ B۷
مهراب	η۱ H۱
فرامرز	C ↑ H۱ I۱ U ↓

صحنه آغازین به دلیل این که جزء خویشکاری ها نیست در جدول فوق ارائه نشده است همچنین پیش بینی موبدان در کارکرد های شخصیت ها نیامده است زیرا می‌توان آن ها را در زیر گروه یاری کنندگان قرار داد که در جدول مربوط به کنش ها آمده است. پراپ هفت شخصیت اساسی را شناسایی کرد که نقش های پایه ای داستان را تشکیل می دهند که ما آن را دراین داستان بررسی و طبق الگوی پراپ استخراج کرده ایم:

شخصیت	قهرمان	شریر	شاهزاده خانم	بخشنده	یاری گر	گسیل دارنده	قهرمان دروغین
حرکت۱	رستم	شغاد	–	–	رخش، مهراب، ستاره‌شناسان	–	–
حرکت۲	فرامرز	مهراب	–	–	سپاه فرامرز و مهراب	زال	–

پراپ در روند بررسی قصه ها به خویشکاری های جفتی دست یافت و چهار رده حاصل از آن را این گونه بیان کرد که قصه از طریق خویشکاری H-I یا M-N یا از طریق هر دو خویشکاری و یا بدون هرکدام از آن ها بسط می یابد . داستان شغاد بنا بر جداول فوق دارای دو حرکت است و طبق تحلیـل های پراپ ترکیب حرکت ها از نوع اول اسـت که یک حرکت

به صورت کامل تمام می شود و حرکت بعدی مستقیمـا بعد از آن آغاز می شود داستان از طریق H-I (جنگ و پیروزی) بسط می یابد و با توجه به این مهم که شاهنامه کتابی حماسی است وجنگ جزء لاینفک حماسه ها می باشد قابل پذیرش است.

شکل حرکتی داستان:

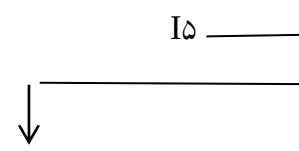

حرکت اول داستان از نهی آغاز شده و به پیروزی (کشته شدن شغاد) می انجامد و حرکت دوم بلافاصله بعد از آن با پیوند دهنده‌ای به حرکت اول وصل می شود؛ بنابراین، این حرکت با گسیل قهرمـان شروع و با بازگشت او به پایان می‌رسد و در نهایت داستان در قالب دو حرکت جداگانه اما مرتبط بیان می‌شود.

با توجـه به نوع خویشکاری های جفتی که پراپ بیان نمود می‌توان الگویی برای هر یک از جفت ها به دست آورد و حرکت هایی که با H-I بسط می یابند را این گونه بیان داشت:

ABC↑ DEFGHJIK↓ PrRs.LQTUW*

الگوی کلی استخراج شده از این داستان به شرح زیر می باشد:

الگوی حرکت اول	Y 6 β۳ w* mot λ η۱ Θ B۳ C ↑ § η۱ Θ Z A۲۴ H۱ I۵
الگوی حرکت دوم	B۲ B۷ C↑ H۱ I۱ U ↓

با توجه به طرح ارائه شده از دو حرکت داستان مشاهده می کنیم که در حرکت اول ازدواج از پایان داستان به آغاز آن منتقل شده است زیرا در داستان شغاد هدف ازدواج نمی باشد لذا عنصری نیست که تمامی اتفاقات داستان برای رسیدن به آن انجام شود و نیز شرارت و فریبکاری تقریبا در پایان حرکت اول آمده اند در صورتیکه باید قبل از رویدادهای پیوند دهنده

قرار بگیرد تا دلیلی باشد برای مقابله آغازین که بعد اتفاق می افتد ولی در جهت سه گان شدن رویدادها که منجر به نتیجه اصلی داستان می شوند و آن را به سمت نقطه پایان هدایت می کنند این کارکرد ها بعد از آن قرار گرفته است تا شرارت اصلی داستان را در پی داشته باشد. رویدادهای سه گان شده معمولا برای تعلیق و تاکید بر بخش های مهم داستان صورت می گیردکه یک رویداد۳ بار تکرار می شود و همیشه آخرین تکرار از بقیه مهم تر است زیرا نتیجه موردنظر را در پی دارد ، در واقع « قانون سه از قوانین رایج در حماسه است که در سایر صورت های مشابه یا نزدیک به آن هم دیده می شود » (خدیش،۱۳۹۱:۱۱۱) و به گفته پراپ ممکن است در جزئیات مربوط به افراد قصه با ماهیتی توصیفی و یا در خویشکاری های فردی،جفتی ،گروهی و سرتاسر داستان واقع شود بنابراین در داستان رستم و شغاد ، شغاد بعد از تصمیم گرفتن به قتل رستم در سه محله جداگانه به فریبکاری و اغوای برادر دست می زند تا بالأخره درسومین مرحله با کمک یاریگر خود به این کار اقدام می کند و به نتیجه مورد انتظار او منجرشده و رستم به کام مرگ کشیده می شود. این جابه جایی ها و برخی عدم توالی‌های دیگرمانند جابه جایی مجازات و بازگشت در حرکت دوم و یا عدم رعایت توالی در آمدن مصیبت و نیز غیبت هیچ کدام ناقض الگو پراپ نیستند بلکه بنا بر نظر او خویشکاری ها همیشه در یک خط مستقیم به دنبال هم نمی آیند و ممکن است جابه جایی هایی رخ دهد که با توجه به ساختار هر قصه پدیدار می شوند و به معنای نقض الگو نیستند.

ساختار روایت

ساختار روایت قصه ها معمولا از تعادل اولیه شروع می شود و به عدم تعادل ها و موانعی برخورد می کند و بعد از تمامی اتفاقات داستان به یک تعادل نهایی می‌رسد و بررسی این مورد نیز در داستان خالی از فایده نخواهد بود .

حرکت اول:

تعادل اولیه: ۱) شغاد به دنیا می آید و از لحاظ چهره به سام نریمان شباهت دارد.

عدم تعادل: ۱) ستاره شناسان پیش بینی می کنند که او خاندان زال را نابود می کند.

۲) زال با خدای خود مناجات و از او طلب خوبی می کند.

تعادل نسبی: ۱) زال شغاد را به نزد شاه کابل می فرستدو او داماد مهراب می شود.

۲) رستم هر سال از بزرگان کابل و زابل یک چرم گاو باج می گیرد.

عدم تعادل: ۱) مهراب باج را آماده نمی کند به علت این که شغاد داماد اوست.

۲) باج گیران کابل را برای فراهم کردن باج به هم می زنند و شغاد کینه ی رستم را به دل می گیرد.

۳) او با همراهی مهراب نقشه ی قتل رستم را می کشند و مهمانی را به این منظور ترتیب می دهند.

۴) مهراب شغاد را تحقیر می کند و او با رنجیدگی به سمت زابل به راه می افتد.

۵) رستم تصمیم به مقابله می گیرد و به سمت کابل حرکت می کند.

تعادل نسبی: ۱) مهراب معذرت خواهی می کند ورستم اورا می بخشد.

۲) مهراب اورا به جشن و شکارگاه دعوت می کند.

۳) رستم به طرف شکار گاه حرکت می کند.

عدم تعادل: ۱) رخش بوی نم خاک را حس می کند ولی رستم به او توجه نمی کند.

۲) رستم به درون یک چاه فرو می افتد.

تعادل نسبی: ۱)رستم کمان خود را از شغاد می گیرد و او را می کشد.

حرکت دوم:

عدم تعادل: ۱) زال نوحه سر می دهدو فرامرز را با سپاهی برای انتقام گرفتن می فرستد.

۲) جسد رستم را دفن می کنند.

تعادل پایانی : ۱) فرامرز در جنگ پیروز می شود و مهراب را اسیر می کند.

۲) او مهراب را و خویشانش را می کشد.

۳) به سیستان باز می گرددو تا یک سال عزاداری می کنند.

در پیکره کلی داستان تعادل اولیه با ایجاد اخلال هایی در آن از بین می رود ولی در پایان دوباره به تعادل می‌رسد در ساختار داستان شغاد نیز تعادلی اولیه بیان می شودکه به صورت

تلویحی عدم تعادل را درون خود می پرورد ، به عبارت دیگر به دنیا آمدن شغاد به نوبه خود سبب عدم تعادل در بطن داستان می شود زیرا زال یکـی از پایه های اساسی سنت جامعـه را که رعایـت طبـقه اجتمـاعی می باشد زیر پـا می گـذارد و وضعیت خوب آغاز داستان مقدمه حـوادث بعـدی قرار می گیرد .

تفاوت ها و جابه جایی ها در داستان شغاد و الگوی پراپ

به طوراجمال می‌توان گفت داستان، جدا از تبعیت کلی از الگوی پراپ تفاوت ها وجابه جایی هایی با آن دارد که عبارتند از:

۱. ازدواج از پایان داستان به آغاز منتقل شده است زیرا بنابر موضوع داستان در زمره اهداف آن نیست بلکه تنها ، زمینه سازحوادث بعدی و بروز کینه وحسادت شغاد نسبت به رستم می گردد و بهانه ای برای عملی کردن نیات پلید او که برای فهم بیشتر در کارکرد ها منظور گردید.

۲. جابه جا شدن شرارت و فریبکاری با هدف فریب رستم و قتل او، تکرار این فریبکاری ها منجر به سـه گان شدن ایـن رویداد می شود و در مرحله سوم سبب مرگ رستم می گردد.

۳. توجه نکردن به یاریگر که حرکت جدید z را در پی دارد و بیانگر تفاوت هایی در اندیشـه های ایرانی با داستان های تحت بررسی پراپ است که نقش فرهنگ را در ساختار قصه‌های هر قوم و ملت نشان می دهد و به دلیـل این که در داستان های ایرانی اصل تقدیر است ناگزیر برخی کارکرد ها متفاوت می شود .

۴. کارکردهای نهی و نقض نهی با غیبت در این داستان با الگـوی پراپ جابه جا شده اند و زال بعد ازبی توجهی به نهی موبدان اقدام به فرستادن شغاد به کابل می کند که گونه ای از غیبت است اما در حقیقت با هدف دور کردن زیان ناشی از نقض کردن نهی انجام می شود که بی نتیجه و باعث قتل رستم می گردد.

۵. مصیبت مقدماتی معمولا بعد از فریبکاری رخ می دهد ؛ولی در داستان شغاد مصیبت در حقیقت نیرنگی است که شکل خاص "مصیبت حاصل از قرارداد خدعه آمیز" را به وجود می آورد و شغاد در مراحل بعدی جداگانه به فریبکـاری رستـم دست می زند تا راه برای شرارت اصلی باز شود.

۶.جابه جایی بازگشت قهرمان و مجازات شریر که به علت اختلاف سرزمینی کابل و زابل و ساختار خاص داستان است و فرامرز پس از پیروزی بر مهراب و مجازات او و خویشانش به زابل باز می گردد.

حال پس از بررسی الگو پراپ در داستان و نشان دادن ساختار روایت و پیکره کلی داستان می‌توانیم بگوییم که این الگو در شاهنامه که تلفیقی از داستان های اساطیری ، حماسی و تاریخی ایران است و سراسر آن را جنگ ، حماسه وجـدال اهورا و اهریمن پوشانده است نیز قابل بررسی است ، در این جستار همه ی موارد الگو پراپ در داستان بررسی و موارد موجود در آن نشان داده شد ، نتایج به دست آمده می‌تواند ما را درحل بسیاری از ابهامات در این حوزه یاری کند واین پژوهـش می‌تواند در ریخت شناسی داستان های شاهنامه به عنوان یک الگو نشان داده شود.

نتیجه گیری

با توجه به بررسی ها و تحلیل های ارائه شده از داستان بر طبق روش پراپ می‌توان گفت که داستان دارای دو حرکـت است و هردو از نوع حرکت‌های اول داستان و بسط از طریق خویشکاری های H-I است که با توجه به نوع ادبی شاهنامه که روایت حماسی تاریخ ملی-پهلوانی ایران است قابل توجیـه است، افزون براین داستـان رستم وشغاد کارکـردی جدید را شامل می‌شود که براساس فرهنگ مردم و تقدیرگرایی فردوسی می‌توان آن را پذیرفت؛ زیرا بنابراعتقاد تقدیرگرای فردوسی اگر مرگ کسی فرا برسد و سرنوشت حادثه ای را برای او رقم بزند، همه تدابیر آدمی با شکست مواجه می شود، چشم خرد انسان کور شده و تمامی اتفـاقـات ما را به سمت آن حادثه پیش می برد که این اعتقاد ریشه در اندیشـه های زروانی ایرانیان در پیش از اسلام دارد . درباره خویشکاری ها باید گفت تعدادی از کارکرد های پراپ در این داستان وجود دارد؛ اما نه همگی، چراکه بنابر نظر پراپ در یک داستان همه ی خویشکـاری ها وجود ندارند و بعضی خویشکاری ها نیز با یکدیگر جابه جا می شوند بنـابراین عدم رعایـت

توالی خویشکـاری ها که در داستان رستم و شغـاد نیز دیده می شود طبقـه بندی پـراپ را رد نمی کند بلکه فقـط جابه جایی هایی است که ناقض الگو کلی نیست و فقط در حکم نمونه هایی است و این می‌تواند ناشی از خاصیت داستان های ایرانی و به طور اخص حماسی باشد. بعضی خویشکاری های بیان شده آرایش جفتی دارند مانند خویشکـاری H-I و یا عدم تعادل اولیه داستان که همیشـه با تعادل پایانی یک جفت را تشکیل می دهند جدای از آن یکی از نقاط مهم داستان که در حقیقـت سبب پیش بردن رونـد اتفاقات می شود انگیزش است و تنها عمل شریر نیاز به انگیزشی جداگانه دارد که دراین داستان نیزخراج گرفتن بهانـه ای می شود تا داستان به سمت حادثه ی اصلی پیش رود .نهایت آن که داستان رستم و شغاد مطابق با الگوی پراپ است ، همچنین دارای رویدادهای سه گانی و نیز کارکردی جدید است و از ساختار داستانی تبعیت می کند.

References:

- Badrai, F.۲۰۱۳. Morphology of the fairy tales. Tehran.Tooss press. ۲۷۸p. (Translated in Persian).

- Doolat Abadi, H.۲۰۰۰. God Zorvan footsteps of fortuneand fate. Tehran. Ney press.۱۵۲p.

- Eslami nadooshan, M. ۲۰۰۲. Iran and the word through the eyes of shahnameh. Tehran. Amir kabir press. ۲۶۸p.

- Estaji, E., and Rashki, S.۲۰۱۳. Siavash story based on the theory of propp's Morphological analysis dshnasy, Faculty of Literature and Humanities, University of Esfahan. New course. Year ۵. member۳. ۳۷-۵۱.

- Farzi, H., and Fakhimi Fareiabi, F.۲۰۱۳. Sevenadventures of Rostam of Shahnameh based on Morphological theory of Vlademir propp. A study of epic literature. Year۹. Member۱۶.۶۳-۷۵.

- Ghorbani, Kh., and Goorak, K.۲۰۱۳. Zall and Roodabeh Bahram Goor and Spinood Goshtasp and Katayoon Morphology . A study of song literature. Sistan and Baloochestan university year۱۱. member۲۰. ۲۳۹-۲۵۴.

- Hamidian, S.۱۹۹۳. Introduction to the thought and art of Ferdosi. Tehran. Markaz press.۴۶۸p.–

- . ۲۰۰۵. Shahnameh (full text). Tehran.Qatreh press.۱۳۷۲p.

- Khadish,p.۲۰۱۲.Morphology magical legends. Tehran. Elmi Farhangi press. ۶۴۶p.

- Matin, P.۲۰۰۴. Fiction in iran .Tehran. Amir Kabir press. ۱۸۶p. (translated in Persian).

- Mokhber, A.۱۹۹۳. Guide to contemporary literary theory. Tehran. Tarh No press.۳۱۲p. (Translated in Persian).

- Reyazi, H.۲۰۰۵.Translation of Shahnameh in prose narrative storis and messeges. Tehran. Ohadi press.۵۸۶p.

- Rouhani, M., and Enayati Ghadikelai, M. ۲۰۰۹. Bihan and Manijeh Morphplogical study of Shahnameh stories bassed on the theory of Velademir propp. Faculty of literature and Human sciences. Year۱۷. Member۶۶. ۱۱۹-۱۴۳.

- Safai Haeri, A. ۲۰۰۹. The mentality and the critique and criticism of Iranian fiction. Qom. Lillat alghadr press. ۲۵۶p.

- Sarrami, GH.۲۰۰۹. Of flowers color on pain of thorns. Tehran. Elmi Farhangi. ۱۰۹۰p.

- Shahnamelogy.۱۹۷۸. Speed collection of first scientific meeting discussing the Shahnameh in the province Hormozgan. Cover۱. Ferdousi Shahnameh foundation. ۲۶۴p.

- Soleimani, M.۲۰۱۲. Art fiction. Tehran. Amir Kabir press. ۴۲۲p.(Translation in persian).

- Taheri,F. ۲۰۰۰. Introduction to structuralism in literature.Tehan. Naghsh jahan press.۳۰۶p. (Translated in Persian).

- Yoonesi, E. ۲۰۰۷. The art of fiction. Tehran. Negah press. ۵۶۰p.

- Zarshenas, SH. ۲۰۰۸. Studies in contemporary fiction. Tehran. Kanoon-E javan press. ۴۰۰p.

منابع:

– استاجی، ابراهیم و رشکی،سعید (۱۳۹۲). «تحلیل ریخت شناسی داستان سیاوش براساس نظریه ولادیمیر پراپ»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی ،دانشگاه اصفهان، دوره جدید سال ۵ ، شماره ۳، صصص۵۱–۳۷.

– اسلامی ندوشن، محمد.(۱۳۸۱). ایران و جهان از نگاه شاهنامه، تهران، امیرکبیر، ۲۶۸ص.

– بدره‌ای، فریدون.(۱۳۹۲). ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، چ۳، تهران، توس، ۲۷۸ ص(ترجمه).

– حمیدیان، سعید.(۱۳۷۲). درآمدی براندیشه و هنر فردوسی، چ۱، تهران، مرکز،۴۶۸ص.

– (۱۳۸۴). شاهنامه فردوسی متن کامل، چ۱، تهران، قطره،۱۳۷۲ص.

– خدیش، پگاه (۱۳۹۱). ریخت شناسی افسانه های جادویی، چ۲، تهران ، علمی فرهنگی،۶۴۶ص.

– دولت آبادی، هوشنگ (۱۳۷۹).جای پای زروان خدای بخت و تقدیر، چ۱،تهران، نی،۱۵۲ص.

– روحانی، مسعود و عنایتی قادیکلایی، محمد (۱۳۸۸). «بررسی ریخت شناسانه داستان بیژن و منیژه شاهنامه فردوسی بر اساس نظریهٔ ولادیمیر پراپ»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۷، شماره ۶۶، صص۱۴۳–۱۱۹.

– ریاضی، حشمت الله (۱۳۸۴). برگردان روایت گونه داستان ها و پیام های شاهنامه فردوسی به نثر، چ۱، تهران، اوحدی،۵۸۶ص.

– زر شناس ،شهریار (۱۳۸۷). جستارهایی در ادبیات داستانی معاصر،تهران،کانون اندیشه جوان،۴۰۰ص.

– سرامی، قدمعلی.(۱۳۸۸). از رنگ گل تا رنج خار، چ۵، تهران ،علمی فرهنگی،۱۰۹۰ص.

– سلیمانی، محسن.(۱۳۹۱). فن داستان نویسی ،چ۶ ، تهران، امیرکبیر،۴۲۲ص(ترجمه).

– شاهنامه شناسی.(۱۳۵۷). مجموعه گفتار های نخستین مجمع علمی بحث درباره شاهنامه در استان هرمزگان، جلد سوم، بنیاد شاهنامه فردوسی،۲۶۴ص.

– صفایی حائری، علی.(۱۳۸۸). ذهنیت و زاویه دید در نقد و نقد ادبیات داستانی ایران، چ۴ ویرایش سوم، قم، لیله‌القدر،۲۵۶ص.

– طاهری، فرزانه.(۱۳۷۹). درآمدی برساختار گرایی در ادبیات، چ۱، تهران، نقش جهان،۳۰۶ص(ترجمه).

– فرضی، حمیدرضا و فخیمی فاریابی، فرناز (۱۳۹۲).«ریخت شناسی هفت خوان رستم از شاهنامه فردوسی براساس نظریه ولادیمیر پراپ»، پژوهش نامهٔ ادب حماسی، سال ۹، شماره ۱۶، صص۷۵–۶۳.

– قربانی، خاور و گورک، کیوان.(۱۳۹۲).«ریخت شناسی داستان زال و رودابه ،بهرام گور و اسپینود، گشتاسب و کتایون»، پژوهش نامهٔ ادب غنایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۱۱، شماره۲۰، صص۲۵۴–۲۳۹.

– مخبر، عباس.(۱۳۷۲). راهنمای نظریه ادبی معاصر، چ۱، تهران، طرح نو،۳۱۲ص(ترجمه).

– متین، پیمان.(۱۳۸۳). ادبیات داستانی در ایران زمین، چ۲، تهران، امیر کبیر، ۱۸۶ص(ترجمه).

– یونسی، ابراهیم.(۱۳۸۶). هنرداستان نویسی، چ۸ ویرایش۲، تهران، نگاه،۵۶۰ص.